

«سفر» و «زیارت» در ادیان: مطالعه تطبیقی^۱

محسن شرفایی^۲ علی اکبری چناری^۳

چکیده

بیشتر محققان غربی زیارت را در مفهوم اخص و دینی آن سفر زائر به مکان مقدس با انگیزه دینی و در مفهوم گسترده‌تر با انگیزه غیردینی نیز تعریف کرده‌اند، اما برخی ادیان همچون مسیحیت، اسلام و آیین سیک بر حضور قلبی زائر نزد مزور نیز تاکید کرده و اصرار بیش از حد بر سفر ظاهری را ضروری ندانسته‌اند. با سیری در سپهر معانی مختلف لغوی و اصطلاحی زیارت در ادیان، سفر رکنی از ارکان زیارت است. در مجموع، سفر دو نوع است: سفر آفاقی و سفر انفسی. زائر چه سیر ظاهری داشته باشد و چه سیر درونی، چه با سفر فیزیکی در مکان مقدس حاضر شود و چه در سیر انفسی به وصال معشوق رسد، در هر دو صورت این حضور و رسیدن نیازمند طی سفر است. تبیین جایگاه سفر در زیارت برای متولیان اماکن دینی از دو بُعد حائز اهمیت است: در بعد ظاهری باید تمام ملزومات و امکانات مورد نیاز زائر در سه مرحله پیش از سفر، حین سفر تا رسیدن به مکان مقدس، و بعد از سفر را فراهم نمایند. در بُعد باطنی نیز باید به تزکیه درونی زائر و ادب حضور نزد مزور توجه کنند.

کلیدواژه‌ها

زیارت، سفر ظاهری، سفر باطنی، زیارتگاه، ادیان ابراهیمی، ادیان غیر ابراهیمی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵

۲. پژوهشگر گروه ادیان و مذاهب بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ایران.

۳. پژوهشگر گروه ادیان و مذاهب بنیاد پژوهش‌های اسلامی و دانشجوی دکتری ادیان و عرفان دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).

۱. تبیین مسئله

از نظر برخی محققان حوزه زیارت، یکی از نشانه‌های احیای دوباره دین در روزگاری که مردم از آن فاصله گرفته‌اند، اشتیاق آنها به زیارت مکان‌های مقدس است. فارغ از کارکردهای مهم زیارت در جامعه، پاسخ به این سؤال که مردم از چه زمانی به مکان‌های زیارتی سفر می‌کردند، تا حد زیادی جایگاه و اهمیت زیارت را در ادیان برجسته می‌کند. اشتیاق قلبی انسان برای وارد شدن به فضای قدسی و مکان مقدس و شریک شدن در تقدس بخشی از طبیعت و ذات بشری است، از این رو، به احتمال بسیار زیاد سفر با انگیزه دینی به مکان‌های مقدس، جزء قدیمی‌ترین و رایج‌ترین نوع سفر در طول تاریخ بشر بوده؛ این نوع سفر بخش جدانشدنی دنیای باستان بوده و ممکن است تاریخچه آن به نخستین روزهای پیدایش ادیان مهم جهان برگردد.^۱

زیارت دیدار است خواه از دور، نزدیک، حضوری یا مجازی؛ خواه به دیده دل باشد یا به دیده سر. زائر، مؤمنی است که در هوای رهایی یا در طلب خواسته‌ای به زیارت می‌رود. اما مزور، هر چه که باشد، پر از تقدس است و همان است که حضورش فضای زیارتگاه را با چند قدم یا چند متر و فرسخ آن‌طرف‌تر متفاوت کرده است. در نگاه برخی زیارت‌پژوهان، رابط بین زائر و مزور، «سفر» است و زائر بدون سفر به مکان مقدس نمی‌تواند با مزور آنچنان که باید ارتباط برقرار کند و از این رو، سفر را جزء لاینفک زیارت دانسته‌اند. اما از منظر برخی دیگر، زیارت تنها مستلزم سفر ظاهری نیست و زائر بدون سفر نیز می‌تواند ارتباط شایسته با مزور برقرار کند. از دیدگاه این گروه آنچه که مهم تلقی شده، «حضور» زائر نزد مزور است که گاهی بدون سفر ظاهری نیز امکان‌پذیر است.

برای تبیین جایگاه سفر در زیارت، ابتدا نگاهی به معانی لغوی و اصطلاحی زیارت در ادیان ابراهیمی و غیرابراهیمی داریم و سپس جایگاه سفر را در برخی از متون مقدس

1. Lutz, Kaelber, "Paradigms of Travel: from Medieval Pilgrimage to the Postmodern Virtual tour", *Tourism, Religion and Spiritual Journeys*, ed by: Dallen J. Timothy and Daniel H. Olsen, Routledge: Taylor & Francis Group, London & New York, 2006, P. 49.

ادیان بررسی می‌کنیم. مسئله اصلی در این بررسی این است که آیا می‌توان با توجه به تعاریف زیارت‌پژوهان، «سفر» به مکان مقدس را به عنوان رکنی از ارکان زیارت دانست؟ سفر ظاهری با سفر باطنی چه ربط و نسبتی دارد؟

فرضیه نوشتار حاضر این است که سفر به مکان مقدس می‌تواند به عنوان رکنی از ارکان زیارت تعریف شود. از این رو، ملزومات سفر باید از طرف متولیان اماکن مقدس به بهترین وجه برای زائر فراهم شود و این ملزومات شامل مقدمات قبل از سفر، حین سفر تا رسیدن به مکان مقدس و بازگشت زائر به موطن اصلی‌اش می‌باشد. همچنین به نظر می‌رسد سفر باطنی نیز مستلزم نوعی حرکت است که همان تزکیه نفس و مشاهده و حضور نزد مزور است.

مطالب مندرج در این نوشتار به صورت کتابخانه‌ای و کاوش‌های رایانه‌ای گردآوری و با روش توصیفی - تحلیلی - مفهوم‌شناختی بیان شده‌اند. رویکرد دین‌شناسانه نگارندگان در این نوشتار، پدیدارشناختی است. بدین روی، ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی زیارت را در دو بخش ادیان ابراهیمی و غیرابراهیمی، تعریف و توصیف کرده‌ایم و در بخش دوم با توجه به این تعاریف، جایگاه سفر و انواع آن واکاوی شده است.

شایان ذکر است که در زبان فارسی آثار متعددی در باره زیارت نوشته شده و در برخی از آنها نیز تا حدی مفهوم زیارت، البته در بافت اسلامی بررسی شده است. از جمله این آثار عبارتند از: بازشناسی مفهوم زیارت از حسین زمانی^۱؛ زیارت از دیدگاه علما و عرفای فریقین از سید محمود علوی^۲؛ مقالاتی نیز در این باره نوشته شده که صبغة فوق را دارند از جمله مقاله «مفهوم شناسی زیارت در فرهنگ اسلامی» نوشته سید محمد حسن حکیم^۳؛ در کتاب مجموعه مقالات هم‌اندیشی زیارت^۴، سه مقاله درباره

۱. زمانی، حسین، بازشناسی مفهوم زیارت، مشهد، انتشارات آوند رشد، ۱۳۹۱.

۲. طاهری، سید محمود، زیارت از دیدگاه علما و عرفای فریقین، تهران، مشعر، ۱۳۹۲.

۳. حکیم، سید محمد حسن، «مفهوم‌شناسی زیارت در فرهنگ اسلامی»، حدیث و اندیشه، شماره ۱۰ و ۱۱، پاییز ۱۳۸۹ و تابستان ۱۳۹۰، ص ۱۷-۲۸.

۴. مجموعه مقالات هم‌اندیشی زیارت، ج ۱، قم، معشر، ۱۳۷۸.

مفهوم زیارت در بافت اسلامی وجود دارد؛ در هیچ یک از این آثار جایگاه «سفر» در زیارت بررسی و تبیین نشده است. از آثار ترجمه شده از زبان انگلیسی به فارسی که در آن مفهوم زیارت واکاوی شده همچون زیارت^۱ اثر ایان ریدر - نویسنده بیشتر تجربیات خود را از سفرهایی که به زیارتگاه‌های متعدد داشته بیان کرده است - و گردشگری، دین و سفرهای معنوی^۲ - در این کتاب بیشترین تمرکز را بر تفاوت بین زائر و گردشگر بوده و در چند فصل نیز زیارت در ادیان مختلف به صورت کلی بررسی شده است - به مؤلفه سفر آنچنان توجه نشده است. مقالات انگشت‌شماری نیز به فارسی ترجمه یا تألیف شده که در آنها نگاه تطبیقی لحاظ نشده، از جمله آنها می‌توان به مقاله «زیارت در آیین هندو»^۳ اشاره کرد.

۲. مفهوم شناسی لغوی و اصطلاحی زیارت در ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی

در زبان عبری و در فرهنگ یهودی برای زیارت واژه «علیا لِرِ گِل»^۴ و برای زائر «عوله لِرِ گِل» به کار می‌رود.^۵ واژه «علیا» برای تشرف به سرزمین مقدس استفاده می‌شود که در لغت به معنی «بالا رفتن» است و «علیا لِرِ گِل» در لغت به معنی بالارفتن با پای پیاده است. پیشینه این اصطلاح در زبان عبری به زمانی بازمی‌گردد که قربانگاه داود و سپس معبد اول در بالای تپه بنا شده بود. مردمی که به زیارت می‌آمدند، قربانی‌های خود را به بالای کوه می‌بردند، از این رو، این کار علیا نامیده می‌شد.^۶

۱. ریدر، ایان، زیارت، ترجمه داریوش رضاپور، تهران، حکمت سینا، ۱۴۰۰.
۲. دالن جی، تی موتی، گردشگری، دین و سفرهای معنوی، ترجمه محمد قلی‌پور و احسان مجیدی‌فر، تهران، جامعه‌شناسان، ۱۳۹۲.
۳. موحدیان عطار، علی، «زیارت در آیین هندو»، هفت آسمان، سال هشتم، شماره ۲۹، بهار ۱۳۸۵.
4. Aliyya Le-regel.
۵. حیم، سلیمان، فرهنگ عبری فارسی، اسرائیل، {بی‌نا} ۱۳۴۴، ص ۵۰۸؛ همچنین نک: حکیمی، یعقوب، فرهنگ فارسی عبری، اورشلیم، Minerva institution & consultation group، ۲۰۰۶، ص ۲۰۶ و ۲۱۲.
۶. دقیقیان، شیرین دخت، نردبانی به آسمان: نیایشگاه در تاریخ و فلسفه یهود، تهران، ویدا، ۱۳۷۹، ص ۱۳۲-۱۳۳. شایان ذکر است که در کنیسه‌ها به عمل بوسیدن تورات از سوی خوانندگان نیایش و همه افراد حاضر در کنیسه (جز آنانکه که شرایط جسمی خاصی دارند) علیا می‌گویند. نک: همان، ص ۱۳۲.

واژه هم‌معنی با آن در زبان عبری «حگک»^۱ به معنی «عید» و نیز «پیرامون چیزی گشتن و طواف کردن» است. در یهودیت هر دو واژه «حگک» و «علیا لِرِگِل»^۲ به معنی زیارت اند. واژه «علیا لِرِگِل» از کهن‌ترین ادوار برای زیارت اورشلیم در سه جشن مشهور که به «شالوش رگالیم»^۳ معروف‌اند، به‌کار می‌رفت.^۴ سپس این واژه به همراه «حگک» برای دو جشن دیگر رُش هَشانا و یوم کِیپور^۵ نیز استفاده شد. پس از مدتی، این واژه عمومیت یافت و هر نوع جشنی را که در معبد برگزار می‌شد، در بر گرفت.^۶

در مسیحیت کنونی برای زیارت واژه pilgrimage به کار می‌برند. واژه‌های امروزی انگلیسی pilgrimage به معنی «زیارت»، peregrination به معنای «مسافرت، سفر» و pilgrim به معنای «زائر»، در اصل از واژه لاتین peregrinum به معنی «غریبه» و peregre به معنی «از خارج» گرفته شده که ریشه هر دوی آنها per به معنای «از طریق» و ager به معنای «کشور و سرزمین» است. قید peregre در منابع قرون وسطایی بسیار مورد استفاده قرار می‌گرفت و تقریباً همیشه برای نشان‌دادن زیارت استفاده می‌شد.^۷ فعل لاتین Peregrinatio به معنای «اقامت در یا سفر به خارج از کشور است. اشتقاق زیارت از واژه لاتین peregrinus تنها محدود به مسافری که سفری کوتاه یا طولانی به مکان خاص انجام می‌دهد یا شخصی که برای مدت کوتاه یا طولانی در یک سرزمین خارجی ساکن شده، نیست بلکه در ابتدا به معنای شخص سرگردان، تبعیدی و بیگانه به کار می‌رفت.^۸

1. Hag.

۲. بنگرید به: شختر، حییم و دیگران، واژه‌های فرهنگ یهود، ترجمه منشه امیر و دیگران، اورشلیم، انجمن جوامع یهودی، ۱۹۷۷، ص ۱۸۸ - ۱۸۹.

3. Shalosh Regalim.

4. Hyman, Semah Cecil, "Pilgrimage", *Encyclopaedia Judaica*, ed by: Fred Skolnik, Jerusalem, Keter Publishing House LTD, Vol. 16, p. 154.

5. Yom Kippur.

6. Kay Davidson, Linda & David M. Gitlitz, *Pilgrimage from the Ganges to Graceland*, Santa Barbara, ABC-CLIO, Inc, 2002, p. 295.

7. Webb, Diana, *Pilgrims and Pilgrimage in the Medieval West*, London, New York, 1996, P 7.

8. Collins-Kreiner, Noga, "Researching pilgrimage: Continuity and Transformations", *Annals of Tourism Research*, Vol. 37, No. 2, No. 2, 2010, p. 442.

اگرچه کلمه زائر از لغت لاتین peregrinus گرفته شده و این واژه بر جابجایی فیزیکی زائر و سفر زائر به مکان مقدس دلالت می‌کند، اما آنچه که بیش از هر چیز دیگر مورد توجه زائر قرار می‌گرفت، مکانی بود که او برایش ارزش یا قداست خاصی قائل بود و از این رو او، مسافت کم یا زیادی را برای رسیدن به مکان مقدس طی می‌کرد.^۱

در اسلام زیارت از ریشه «زور» مشتق شده و برای این ریشه معانی متعددی در کتب لغت ذکر شده است. لغت‌شناسان معانی زور را ذیل سه واژه «الزَّوْر»، «الزَّوْر» و «الزور» بررسی کرده‌اند. معنای لغوی «الزَّوْر» بیشتر بر ملاقات و دیدار رو در رو و با قصد و اراده و از نزدیک تأکید دارد؛^۲ واژه الزَّوْر به معنای چرخش و انحراف از چیزی و تمایل به سوی چیز دیگر است.^۳ اطلاق زائر از ریشه «زَوْر» به این سبب است که او با زیارت از دیگران عدول کرده و روی به جانب شخص دیگر می‌کند.^۴ علاوه بر میل و قصد در واژه زَوْر، بُعد و دوری نیز نهفته است،^۵ و از این رو بر زیارت از راه دور نیز اطلاق می‌شود.

در رابطه با معنای لغوی زیارت در ادیان ابراهیمی دو نکته اهمیت دارد:

الف. در معنای لغوی ریشه زیارت در اسلام، دیدار رودررو و از نزدیک، تمایل همراه با قصد و اراده، و در مواردی سفر و بُعد مکانی نهفته است. در دیدن معمولی قصد و اراده مطرح نیست، اما در زیارت قصد و اراده وجود دارد. بنابراین، می‌توان گفت زائر کسی است که از روی میل و اراده و با انگیزه دینی به سوی مزور «حرکت»

1. Bitton-Ashkelony, *Encountering the Sacred: the Debate on Christian Pilgrimage in Late Antiquity*, University of California Press, London, 2005 p. 17-18.

۲. الازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، تحقیق احمد عبدالعلیم بردونی، ج ۱۳ بی‌نا، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۳۸؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۳۵.

۳. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، تصحیح صفوان عدنان داوودی، بیروت - دمشق، دار القلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق، ص ۳۸۸.

۴. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم المقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۶.

۵. صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، تصحیح محمد حسن آل یاسین، بیروت، عالم الكتاب، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۸۱.

می‌کند و یا با قصد و اراده نزد مزور «حاضر» می‌شود و در اکثر مواقع این حضور نیاز به حرکت و سفر فیزیکی دارد.

ب. با توجه به دو سنت یهودیت و مسیحیت، زیارت تکیه بر سفر دارد، چرا که در بررسی ریشه‌شناختی «علیا لِرِگِل» در یهودیت و pilgrim و pilgrimage در مسیحیت، معنای سفر به مکان خاص با انگیزه دینی نهفته است. بنابراین سفر کردن و مسافرت رکن اصلی‌تر در ریشه‌شناختی این دو واژه است. اما این تأکید در نگاه اسلامی پررنگ نیست، چرا که بنیان اصلی زیارت در اسلام بر حضور قلب و مؤانست و دستیابی به حالتی از نشاط معنوی قرارداد شده است و این حالات ممکن است لزوماً در مراجعه حضوری زائر اتفاق نیفتد.

۱۲۱

پوشنامه ادیان

«سفر» و «زیارت» در ادیان: مطالعه تطبیقی

در سنت هندویی برای زیارت واژه «تیرتْهه یا تْرا»^۱ استفاده می‌شود؛ زائران «تیرتْهه یاتری»^۲ نامیده می‌شوند و خود مکان مقدس یک «تیرتْهه ستن»^۳ است.^۴ اصطلاح تیرتْهه یا تْرا که در آیین هندو برای سفرهای زیارتی به کار می‌رود، از نظر لغوی از دو واژه تیرتْهه، به معنای محل عبور و یا تْرا به معنای سفر تشکیل شده است. اسم تیرتْهه به معنای گذار و نیز هر مکانی است که در آن آب وجود دارد یا محل شنا است.^۵ این واژه به طور عام‌تر گاهی به معنای طریق یا گذرگاه نیز به کار می‌رود و نه تنها به مقصد، بلکه به راه و مسیری که فرد سفر می‌کند، نیز اشاره دارد. امروزه در هند واژه تیرتْهه در وهله نخست با آن گذرگاه‌هایی پیوند دارد که مکان‌های زیارتی‌اند و سنت‌های مربوط به خدایان و خدایانوان، قهرمانان مرد و قهرمانان زن و حکیمان را در جغرافیای هند زنده می‌کنند. افزون بر این، تیرتْهه‌های محلی و منطقه‌ای بی‌شماری وجود دارد که زائران به طور منظم به زیارت آنها می‌روند.

1. Tirthayatra.

2. Tirthayatree.

3. Tirthastan.

4. Eck, Diana L. , " India's Tirthas: "Crossings in Sacred Geography", *History of Religions*, No.20 (4), 1981, p.325-326; Kay Davidson, p. 638.

۵. درباره همسانی تیرته و معبد بنگرید به:

Stella Kramrisch, *The Hindu Temple*, Delhi: Motilal Banarsidass, 1976, pp. 3-17.

در زبان ژاپنی و آیین بودای ژاپنی برای سفر، دعا و عبادت در زیارتگاه‌ها و معابد از اصطلاح‌های مختلفی استفاده می‌شود و همه این اصطلاحات اگرچه تفاوت‌های معنایی اندکی دارند، اما برای سادگی کار به «زیارت» ترجمه می‌شوند. برای مثال واژه «Junrei» برای بازدید دَوْرانی و طواف گونه معابد بودایی استفاده می‌شود که از دو واژه «Jun» به معنی «دور زدن» و «Rei» به معنی «عبادت» تشکیل شده است.^۱ سیک‌ها برای «زیارتگاه» نیز واژه سنسکریت تیرات^۲ را استفاده می‌کنند. این اصطلاح به رودخانه‌های مقدس اشاره دارد. اما معنای اصطلاح تیرات یتره در درازای زمان تغییر کرده و به سفر مؤمنان به هر مکان دینی مهم اشاره دارد و فقط شامل یک رودخانه مقدس نمی‌شود.^۳

در سنت زرتشتی برای زیارت واژه مستقلی وجود ندارد، اما می‌توان زیارت را در ذیل جشن‌های زرتشتی و نیایش ایزدان در موعدهای مختلف تفسیر کرد. زرتشتیان ایران به آرامگاه‌های خود لقب پیر، جمع آن پیران یا پیرون، اطلاق می‌کنند؛ «پیران‌گاه» زرتشتی را، که نام دیگر آرامگاه‌هاست، می‌توان با اشخاص تاریخی (پیش از اسلام یا معاصر) یا «ایزدان» زرتشتی مرتبط دانست. از زمانی که مؤمنان به «دیدار» (زیارت) این آرامگاه‌ها آمدند، تعبیر زیارت برای «دیدار (محترمانه)» پیران زرتشتی نیز به کار رفت و بر این اساس به آنها «زیارتگاه» (مکان زیارتی) اطلاق شد، به ویژه وقتی پای زیارت‌های گروهی منظم در میان باشد.^۴ اسم مکان عربی مزار (مکان دیدار) که از همان ریشه عربی زیارتگاه مشتق شده، نیز بر این مکان‌ها اطلاق می‌شود.

زیارت و اصطلاحات مربوط به آن، مانند Junrei و trithyatra در آیین بودا و آیین هندو، حاوی مفاهیم عبور، جغرافیای مقدس، حرکت میان وضعیت‌های وجودی، ماهیت سفر و عبادت و سفر به اماکنی مقدس و حضور در آنهاست. با توجه به

۱. ریدر، ص ۴۱-۴۴.

2. Tirath.

3. Jutla, Rajinder s., "Pilgrimage in Sikh Religion", *Tourism, Religion and Spiritual Journeys*, p 209-210.

4. Langer, Robert, "From Privta Shrine to Pilgrimage Centre: the Spectrum of Zoroastrian Shrines in Iran", *Zoroastrian Rituals in Context*, Brill, Leiden. Boston. 2004, p 563-564.

بررسی ریشه‌شناختی معنای لغوی زیارت می‌توان گفت که عنصر سفر یکی از ارکان اصلی زیارت است. البته در معنای لغوی زیارت در اسلام عنصر سفرِ ظاهری کم‌رنگ‌تر است.

معنای اصطلاحی

ادیت ترنر یکی از محققان برجسته حوزه زیارت، سفر به مکان زیارتی را اساس و جوهر زیارت دانسته^۱ و برای زیارت سه مرحله در نظر گرفته است: ۱. جدایی (آغاز سفر و جدایی جسمی و روانی از مسکن و خانه) ۲. مرحله آستانه‌ای (سفر، سکونت موقت در زیارتگاه و مواجهه با امر قدسی) ۳. اجتماع دوباره یا بازگشت به خانه. در مرحله اول زائر سفر خود را به مکان بیرون از سکونت‌گاه خویش آغاز می‌کند و در طی مسیر به افراد دیگری که عازم همان مکان هستند، می‌پیوندد؛ مرزهای دوستی بین آنها گسترش پیدا می‌کند و جامعه موقت و بدون طبقات را شکل می‌دهند. زائر در طی سفر و همچنین پس از رسیدن به مکان مقدس به طور موقت از قید و بندهای اجتماعی رها می‌شود؛ این رهایی موقت از قید و بندهای اجتماعی مشخصه سفر زائر است و در این ویژگی وی با دیگر مسافران از جمله گردشگران و عرفا مشترک است. در مرحله سوم زائر به وطن خویش برمی‌گردد که این امر نشانگر پایان سفر است.^۲ بازگشت به وطن اهمیت ویژه‌ای در زیارت دارد و نمادی از تجدید و تولد دوباره زائر است؛ چرا که وطن نشانگر منشأ، پایه و اساس و مقصد هر موجود انسانی است و جایی است که خانواده، اقوام و دوستان انسان در آنجا هستند.^۳ در کتاب مقدس نیز بر بازگشت از سفر تأکید شده است: و خداوند به یعقوب گفت: «به زمین پدرانت و مؤکد

۱۲۳
پوشنامه ادیان

«سفر» و «زیارت» در ادیان: مطالعه تطبیقی

1. Turner, Victor and Edith Turner, *Image and Pilgrimage in Christian Culture*, New York, Colombia University Press, 1978, p.7.
2. Turner, Edith, "Pilgrimage: An Overview", *Encyclopedia of Religion*, ed by: Mircea Eliade, New York, Macmillan, Vol. 11, 1987, p.328 - 329; Turner, *Image and Pilgrimage in Christian Culture*, p. 2-9, 20.
3. Vacaru, Christian, "The Biblical Foundations of the Pilgrimage", *International Letters of Social and Humanistic Sciences*, Switzerland, SciPress Ltd, 2015, Vol. 65, p. 60.

خویش مراجعت کن و من با تو خواهم بود». (پیدایش، ۳۱: ۳ و ۱۳)

در تمامی دایره‌المعارف‌های دینی که در آنها مدخل زیارت وجود دارد، بر عنصر سفر به عنوان یکی از ارکان اصلی زیارت تأکید شده است که از جمله آنها عبارتند از: دایره‌المعارف دین و اخلاق^۱، دایره‌المعارف از گنگ تا گریسلند^۲، دایره‌المعارف جودائیکا^۳، دایره‌المعارف نیوکاتولیک^۴، دایره‌المعارف اسلام^۵، دایره‌المعارف قرآن^۶، دایره‌المعارف هندوئیسم^۷، و دایره‌المعارف بودیسم^۸. زیارت در این تعاریف شامل دو تعریف عام و خاص می‌شود: در تعریف عام، زیارت یعنی سفر به هر مکانی که از نظر زائر یا گردشگر، خاص و ویژه است و این سفر هم می‌تواند با انگیزه دینی باشد و هم انگیزه دنیوی. اما در تعریف خاص زیارت همان سفر زائر به مکان مقدس با انگیزه دینی است. در یک معنای دیگر از زیارت، انسان در این دنیا به مثابه زائری است که در راه رسیدن به مقصدی خاص در سفر است.

در تعاریف محققان زیارت‌پژوه مسلمان نیز بر سفر فیزیکی تأکید شده است؛ هر چند بر سفر درونی و حضور نزد مزور نیز توجه داده اند: در ذیل دو تعریف از این نوع بیان می‌کنیم:

زیارت، دیدار دیگری (اعم از انسان یا مکان) است، بر اساس اراده و برای

1. Pinches, T. G, "Pilgrimage", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, ed by: James Hastings, New York, Charls Scribners's Sons, Vol. 10,1917, p. 12.
2. Kay Davidson, P. xvii.
3. Hyman, Semah Cecil, "Pilgrimage", *Encyclopaedia Judaica*, vol. 16, 2007, p. 154.
4. Polan, s.m, "pilgrimages" *New Catholic Encyclopedia*, second Edition, WASHINGTON D.C, Gale, Vol. 11, 2003, p. 324.
5. Meri, J.w, "Ziyāra", *Encyclopedia of Islam*, ed by: Lewis and others, Leiden, Brill, Vol 11, 1986, P. 524.
6. Hawting, Gerald, "Pilgrimage", *Encyclopedia of Quran*, ed by: Jane Dammen Mc Auliffe, Brill, Leiden –Boston, Vol 4, 2004, p.91.
7. Constance, A. Jones & James D. Rayan, "Pilgrimage", *Encyclopedia of Hinduism*, New York, Facts on File, 2007, p.328.
8. Trainor, Kevin, "pilgrimage", *Encyclopedia of Buddhism*, ed by: Robert E. Buswell, New York, Gale, 2004, p.651.

مطلوبی صحیح که در مسیر الهی قرار گیرد و قید حیات داشتن یا نداشتن دیگری، در آن موضوعیت ندارد. این مفهوم، مفهومی رایج، انسانی و متعارف است و اسلام با شناساندن آن، مسیر تکامل آن را نیز نشان می‌دهد.^۱ براساس این تعریف، زیارت شامل چند مؤلفه اصلی و مهم است: ضرورت داشتن قصد و اراده؛ ضرورت داشتن هدف‌های صحیح و پرهیز از تغافل یعنی «لله» و «فی الله» بودن زیارت و صداقت در رفتار؛ و همچنین صحت اطلاق زیارت بر زندگان و مردگان و اماکن و اشیاء.

۱۲۵

پروشمنامه ادیان

«سفر» و «زیارت» در ادیان: مطالعه تطبیقی

همانطور که گفتیم در تعاریف اصطلاحی زیارت در اسلام و همچنین با توجه به معنای لغوی زیارت و ریشه آن، از میزان اصرار بر «سفر» ظاهری تا حدودی کاسته و به نسبت بر «حضور» و ارتباط قلبی و انس با مزور تا حدی تأکید شده است. از همین روست که برخی اندیشمندان اسلامی همچون جوادی آملی زیارت را حضور عارفانه و سفر و دیدار عاشقانه زائر از سرای مزور تعریف می‌کند؛ ایشان در این باره می‌گوید: «زیارت، حضور عارفانه عاشق در دیار معشوق، دیدار عاشقانه زائر از سرای مزور، اظهار عشق و ارادت محب به محبوب ... و اعلان فروتنی دین‌دار در برابر دین و پیشوایان دینی و اذان ایمان و دین‌داری است.»^۲ زیارت از دید وی، فرصتی برای سنجش خودخواسته‌ی فرد زائر با زیارت‌شونده به مثابه‌ی انسان کامل است که پیش از هر چیزی از مسیر «دل» می‌گذرد: «زیارت، سفری مشتاقانه، آگاهانه و عاشقانه است که از سرای دل آغاز می‌شود، از راه دل عبور می‌کند و سرانجام نیز در منزل دل به مقصد و مقصود می‌رسد و بار بر زمین می‌نهد.»^۳

بیان این نوع از معانی در تعریف زیارت به این نکته اشاره دارد که زیارت علاوه بر سفر فیزیکی، نیازمند حضور در پیشگاه مزور و ارتباط قلبی با او با هدف ایجاد تغییر و تحول درونی است.

۱. حکیم، ص ۲۳۸.

۲. جوادی عاملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، ج ۱، قم، اسراء، ۱۳۸۱، ص ۱۷.

۳. همانجا.

۳. جایگاه سفر در زیارت

باتوجه به ریشه لغوی زیارت، سفر کردن و حرکت از مکانی به مکان دیگر، یکی از عناصر اصلی زیارت به شمار می‌رود. سفر می‌تواند معنای واقعی و حرکت به سوی مکان فیزیکی داشته باشد یا معنای نمادین و سفری استعاری و درونی به مقصد معنوی باشد. از این رو سفر را می‌توان به سفر فیزیکی، سفر انفسی و سفر مجازی تقسیم کرد. به نظر می‌رسد که با بررسی متون مقدس ادیان بتوان اهمیت زیارت و به طور خاص سفر (به قصد زیارت) را دریافت. بررسی‌های بعدی این نوشتار گامی در جهت پاسخ به این پرسش‌هاست: ۱. کدام نوع سفر در زیارت اهمیت دارد؟ آیا این متون نیز بر سفر به عنوان رکنی از ارکان زیارت تأکید کرده‌اند؟

۱-۳ سفر در ادیان ابراهیمی

در کتاب مقدس، ابراهیم (ع) را باید نخستین زائر تاریخ قوم برگزیده خواند که از هنگام بیرون آمدن از شهر و دیار خود و در تمام زندگی‌اش، به دنبال ارتباط معنوی عمیق با خداوند بود (تثنیه، ۲۶: ۵). خداوند به او گفت: «از ولایت خود و از مولد خویش و خانه پدر خود به سوی سرزمینی که به تو نشان دهم بیرون شو» (پیدایش، ۱۲: ۱-۲). انگیزه سفر ابراهیم (ع) و خاندانش در عزیمت به سوی مقصدی نامعین، انتخاب خداوند بود. سفر یعقوب (ع) بین کنعان و آرام که در باب‌های ۳۲ تا ۳۵ سفر پیدایش ذکر شده، نیز مضمون زیارتی دارد. همچنین مسیری که بنی اسرائیل در طی آن از مصر به کنعان رفتند، و در کتاب‌های خروج، لاویان، اعداد و تثنیه به آن پرداخته شده، نمادی از سفرهای زیارتی بنی اسرائیل هستند. این سفر زیارتی با خروج از مصر شروع شد (خروج، ۱۳: ۱۷) و با سکونت در مسکن قدس پایان یافت (خروج، ۱۵: ۱۳).

در اسلام بر سفر به قصد زیارت اماکن مقدس تأکید شده و جز عده‌ای همچون ابن تیمیه که زیارت را بدعت دانسته و سفر زیارتی را حرام^۱، بیشتر مسلمانان سفر به قصد

۱. نک: زیارت در نگاه شریعت، بی‌نا، بی‌تا. ص ۴۳-۶۶.

زیارت را جایز دانسته اند^۱ و به آیات و روایات استناد کرده‌اند. در استحباب سفر برای زیارت و دلایل سفر زیارتی به برخی آیات قرآن (همچون آیه ۶۴ سوره نساء)، روایات متعدد و عمل صحابه و تابعین استناد شده است. رسول اکرم (ص) در حدیثی فرمودند: «من خاتم پیامبران و مسجد من، خاتم مسجدهای پیامبران است. شایسته‌ترین مسجد برای زیارت و مسافرت مسجدالحرام و مسجد من است. نماز در مسجد من برتر از هزار رکعت نماز در مساجد دیگر، جز مسجدالحرام است».^۲ این روایت نیز مسجدالحرام و مسجدالنبی را شایسته‌ترین مکان برای باربندی و سفر به قصد زیارت معرفی کرده و شایستگی سایر اماکن و مشاهد مشرفه یا بارگاه امامان معصوم و اولیاء را نفی نکرده است، بلکه اشاره به شایستگی این اماکن برای مسافرت و زیارت دارد.^۳ در روایات متعددی بر استحباب سفر برای زیارت قبور ائمه اطهار (ع) اشاره و یکی از فلسفه‌های زیارت قبور ایشان، بزرگداشت شعائر خداوند ذکر شده و خداوند فرموده است: «وَمَنْ يُعْظَمَ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ».^۴

به این نکته اشاره کنیم که اگرچه تقریباً می‌توان گفت سفر کردن اصل مشترک و ثابت در همه زیارت‌ها و در تعاریف زیارت از نظر متکلمان، دانشمندان علوم اجتماعی، و زائران مذهبی و سکولار است، اما از منظر دینی هر سفری، سفر زیارتی نیست. سفر دینی به اماکن مقدس باید با انگیزه دینی صورت گیرد و این مکان مقدس باید ویژگی یا ویژگی‌های خاصی داشته باشد که آن را از سایر اماکن عمومی عبادت متمایز سازد. به عنوان نمونه در سنت کاتولیک، میان زائران و کسانی که برای مقاصد دینی مسافرت می‌کنند و پیروان عادی که از مکان‌ها و کلیساهایی دیدار می‌کنند که خدمات دینی به‌ویژه مراسم دعا و نماز ارائه می‌دهند، تمایز وجود دارد. در حکم یک قاعده، گروه دوم یعنی پیروان عادی‌ای که

۱. درباره دیدگاه‌های علمای اهل سنت در باره زیارت پیامبر و سفر زیارتی نک: علامه امینی، الزیارة، بی‌نا، بی‌تا، ص ۹۱-۱۲۲.

۲. المنقري، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى، مکتب آیت الله المرعشی النجفی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۵؛ الفاکهی، محمد بن اسحاق، اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، محقق عبد الملک بن عبدالله بن هیشف مکه، مکتبه الأسدی، ۲۰۰۳، ج ۶، ص ۲۹.

۳. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، به کوشش علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۱۳۷.

۴. «و هر کسی که شعائر خداوند را بزرگ شمارد، این بزرگداشت از پرهیزکاری دل‌هاست».

فقط برای ادای فرایض دینی به کلیساها می روند، زائر محسوب نمی شوند.^۱ در متون مقدس ادیان ابراهیمی علاوه بر سفر فیزیکی بر **سفر باطنی** نیز تأکید شده است. اگرچه سفر کردن و رفتن به مکان مقدس یک اصل بنیادی در زیارت است، اما گاهی سفر می تواند در درون خود شخص اتفاق بیفتد. اساساً این نوع زیارت در سنت های عرفانی قابل مشاهده است. از همین روست که نویسندگان دینی سنت های مختلف، سفر معنوی روح انسان به سوی مرحله کمال دینی را به گونه ای استعاره ای «سفر زیارتی» نامیده اند. هدف از این سفر، رهایی روح انسان از گناه و رسیدن به کمال و آرامش و وصال با حق است. نمونه هایی از این نوع سفر در ادیان گوناگون قابل مشاهده است. در این قسمت به عنوان نمونه به جایگاه سفر انفسی در مسیحیت، اسلام و آیین سیک اشاره می کنیم.

در اواخر دوره باستان سفر انفسی یا «زیارت درونی» یک مسئله بسیار مهم در میان راهبان مسیحی بود. در زندگی رهبانی، سفر کردن افزون بر اینکه عملی عبادی بود، راهی مؤثر برای شکل دادن به هویت مسافر و خوددگرگونی و تحول زندگی راهب و رسیدن به آرامش به شمار می آمد؛ یکی از انگیزه های راهبان رسیدن به هسیکا^۲ یا آرامش درونی بود. رسیدن به این آرامش به دو صورت سفر فیزیکی و سفر درونی ممکن بود. با توجه به سیر انفسی، راهب وقتی تصمیم می گرفت «مسافری و بیگانه ای در راه خدا باشد» گوشه ای را برای خلوت خود انتخاب می کرد و در آنجا می ماند و تعامل خود را با دیگران کم می کرد.^۳

1. Vukonić, Boris. "Sacred places and tourism in the Roman Catholic tradition" *Tourism, Religion and Spiritual Journeys*, p. 243.

2. hesychia

۳. به این نکته اشاره کنیم که بین زیارت و ایده رهبانی تبعید داوطلبانه از يك سو و زینتیا (*xeniteia*) (یعنی وضعیت مسافر بودن و بیگانه با جهان بودن) از طرف دیگر، پیوندی مفهومی وجود دارد. زینتیا در اصطلاح به معنای شخص سرگردان و خانه به دوش است که زادگاه تولد خود را ترک می کند و همچنین به معنای زیارت مکان های مقدس، مردان مقدس و آرامگاه های شهدا است. راهب می تواند زینتیا را در هر کجا و در هر مرحله از زندگی رهبانی خود تحقق بخشد. بر خلاف راهبان سوری، که برای تحقق بخشیدن به زینتیا خود بیشتر به مکان های مقدس از جمله بیت المقدس می رفتند، زینتیا راهبان مصری عمیقاً معنوی و درونی بود.

Bitton-Ashkelony, p. 148-154

نگارندگان عهد جدید و پدران اولیه کلیسا، علاوه بر پذیرش جایگاه زیارت معبد اورشلیم، بر مفهوم دیگری به نام «زندگی به مثابه زیارت»^۱ و «سفر زائرگونه به سوی شهر آسمانی اورشلیم» تأکید داشتند. اصطلاح «اورشلیم آسمانی» بیانگر اهمیت سفر انفسی در مسیحیت است. سفر زائرگونه به سوی شهر آسمانی اورشلیم، اشاره به زیست زائرگونه و عدم دلبستگی به دنیا دارد. آگوستین تأکید می‌کند که در حقیقت نه یک شهر، بلکه دو شهر وجود دارد: یکی زمینی و دیگری آسمانی است، دو شهری که در این جهان به یکدیگر درآویخته و باهم درآمیخته‌اند.^۲ از نظر آگوستین، شهروندان شهر آسمانی زائران در این زمین هستند و برای رسیدن به آرامش وطن آسمانی‌شان فغان سر می‌دهند.^۳ آگوستین با استناد به رساله اول به قرنتیان ۳: ۱۶ (آیا نمی‌دانید که شما معبد خدا هستید و روح خدا در شما ساکن است؟) و یوحنا ۴: ۲۴ (خدا روح است، و آنها که می‌پرستند، باید در روح و راستی بپرستند) تأکید می‌کند که خداوند درون قلب عبادت‌کننده ساکن است؛ از این‌رو، فرد مسیحی نیازی به سفر به مکان‌های مقدس ندارد، بلکه شخص باید قلب خویش را پاک کند.

سفر انفسی و زیارت درونی در نزد عرفای مسلمان نیز از جایگاه والایی برخوردار است. در تفکر عرفانی، زیارت عبارت است از «وصول دل به عالم ربوبیت و کشور قدس الوهیت»^۴ و سفر عبارت است از قیام و توجه دل به پروردگار که مترادف سیر است.

ابوالحسن خرقانی سفر را پنج نوع دانسته است: «اول به پای، دوم به دل، سیم به

۱. اگر زیارت سفر به جایی باشد که دری به سوی تجربه‌ای متعالی بگشاید، ممکن است خود زندگی به عنوان یک زیارت در نظر گرفته شود. جاده در این مثال زمان است، مسافر روح فرد است، مقصد مرگ است و هر چیزی که فراتر از این باشد. کاتولیک‌ها از دیدگاه کلامی معتقدند که وضعیت‌شان در این دنیا به مثابه انسان مسافر و کلیساهای‌شان در حکم مسافرخانه است.

Vukonić, p. 238.

۲. آگوستین قدیس، شهر خدا، ترجمه حسین توفیقی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۲، ص ۴۵۰.

۳. آگوستین، ص ۶۲۶.

۴. «مرآت العشاق» به تصحیح برتلس، یوگنی ادواردویچ، در کتاب تصوف و ادبیات تصوف، تهران، امیر کبیر،

۲۵۳۶، ص ۲۰۳.

همت، چهارم به دیدار، و پنجم در فنای نفس^۱ با توجه به اینکه سفر همان سیر دل است، بر خلاف سفر فیزیکی، دوری مکان و منزل دیگر مطرح نیست و همانطور که خواجه شیراز می‌فرماید:

گرچه دوریم به یاد تو قدح می‌گیریم بُعد منزل نبود در سفر روحانی^۲
 برخی عرفا، شاگردان خویش را از سفر فیزیکی باز می‌داشته‌اند و آنها را به سیر درونی تشویق می‌کرده‌اند. حکایت زیر حاوی همین مطلب است: مریدی پیش ابوالقاسم خلال مروزی شد، از وی دستوری خواست که به سفر شود. گفت: چرا می‌روی؟ مرید گفت: آب که نرود تیره گردد. مروزی گفت: خود دریا باش که نرود، و تیره نگردد.^۳
 نوعی دیگر از زیارت که ارتباط نزدیکی با زیارت انفسی دارد، «زیارت از راه دور» است که در برخی روایات به آن اشاره شده است. زیارت به ویژه در فرهنگ اسلامی این است که زائر می‌تواند از هر جایی به مزور رو کند و همین توجه قلبی، صدق زیارت می‌کند. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی فرمودند: «هر که در هر نقطه‌ای از روی زمین به من سلام کند، سلامش به من می‌رسد و هر که بر سر قبرم به من سلام کند، آن را می‌شنوم.»^۴ مطابق این روایت سخن از فضیلت کاری بر کار دیگر است که در اینجا حضور بر سر مزار و در مکان مقدس بر دیگری رحمان دارد و این به معنای نفی زیارت از راه دور نیست. زیارت کردن از دور، نوعی مجاورت نمادین روحی با مکان‌های مقدس را برای زائران فراهم می‌کند.

در حدیثی دیگری امام صادق (ع) خطاب به سدیر می‌فرماید: «ای سدیر، آیا هر روز حسین (ع) را زیارت می‌کنی؟ عرض کردم: فدایت شوم، نه. فرمود: چقدر جفاکاری! سپس فرمود: آیا هر ماه او را زیارت می‌کنی؟ عرض کردم: نه. فرمود: آیا هر سال او را زیارت می‌کنی؟ عرض کردم، گاهی می‌شود! حضرت فرمود چقدر شما نسبت به

۱. عطار نیشابور، فریدالدین، تذکرة الاولیاء، تصحیح نیکلسون، تهران، دنیای کتاب، بی‌تا، ص ۲۳۹.

۲. حافظ، شمس‌الدین محمد، دیوان حافظ، به اهتمام جهانگیر منصور، تهران، نشر دوران، ۱۳۸۵، ص ۳۰۵.

۳. انصاری، خواجه عبدالله، طبقات الصوفیه، به تصحیح محمد سروری مولانی، تهران، توس، ۱۳۶۲، ص ۴۷۲-۴۷۳.

۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۳۳۸؛ مجلسی، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق. ج ۱۱۰، ص ۳۶۵.

حسین جفا می‌کنید! آیا نمی‌دانید خداوند عزّ و جل دو میلیون فرشته دارد که پریشان حال بر حسین می‌گیرند و او را زیارت می‌کنند و خسته نمی‌شوند؟ چه مانعی دارد که قبر حسین (ع) را هر جمعه، پنج بار یا در هر روز یک بار زیارت کنی؟ عرض کردم: فدایت شوم، میان ما و او فرسنگ‌های زیادی فاصله است. حضرت فرمود: برو بالای بام، سپس به راست و چپ توجه کن، آنگاه سر به طرف آسمان بلند کرده و سپس به طرف قبله متوجه شد و بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». اگر چنین کردی، برای تو یک زیارت می‌نویسند، زیارتی که معادل یک حج عمره است.^۱

۱۳۱
پوشنامه ادیان

«سفر» و «زیارت» در ادیان: مطالعه تطبیقی

زیارت از راه دور مستلزم توجه و حضور قلبی زائر نزد مزور است و به عبارتی بعد از آنکه زائر در منزل یا هر مکان دیگری که در آنجا هست، قصد زیارت ائمه را می‌کند، سفر باطنی خویش را می‌آغازد و با توجه به حضور باطنی در پیشگاه مزور با سلامی از دور زیارت برای وی محقق می‌شود و حتی اگر چیزی هم نگفت همین توجه قلبی، صدق زیارت می‌کند.

در دوره جدید به سبب گسترش ارتباطات و رسانه‌های جمعی به ویژه اینترنت و دسترسی مردم به گوشی‌های هوشمند و رایانه‌های مدرن پای سنخ دیگری از زیارت به میان آمده است که همان «زیارت مجازی»^۲ یا سفر مجازی است. زیارت مجازی را با تسامح می‌توان زیرشاخه‌ای از زیارت درونی است؛ در این نوع از زیارت، زائر سفری ظاهری به بیرون از خانه ندارد، اما بر خلاف زیارت از راه دور، زیارت مجازی تا حدی حس حضور در زیارتگاه را برای زائران تداعی می‌کند و سختی‌ها و مشکلات سفر فیزیکی نیز به حداقل ممکن کاهش پیدا می‌کند. برخی در تعریف زیارت مجازی گفته‌اند: «زیارت مجازی یعنی به کارگیری ابزار رسانه‌ای توسط کاربر برای حرکت از خود به غیر خودی مقدس جهت برقراری ارتباطی قلبی با آن منبع مقدس در بُعد ذهنی و دورنی است و در این شرایط که زیارت مجازی قرین با مفاهیم معنوی می‌باشد، امید به

۱. حرعاملی، همان، ج ۱۴، ص ۴۹۴.

2. Cyberpilgrimage

کسب ثواب برای کاربر وجود دارد.^۱ نه تنها امید به کسب ثواب وجود دارد، بلکه صرف پناه آوردن از فضای عرفی به فضای قدسی، هر چند مجازی، و کسب آرامش، امید و رضایتمندی نیز می‌تواند از ثمرات و نتایج چنین زیارتی تلقی گردد.

۲-۳ سفر در ادیان غیر ابراهیمی

در ادیان غیر ابراهیمی نیز سفر رکن جدانشدنی از زیارت است. در هند مکان‌های مقدس آنقدر فراوانند که سراسر شبه‌قاره را می‌توان جغرافیای مقدس واحد در نظر گرفت. اغلب اوقات زیارت این مکان‌ها نیاز به سفر فیزیکی دارد. در بنارس، الله‌آباد، آجودیا، پوری و زیارتگاه‌های دیگر، زائران در مسیر طواف دور کل شهر و مکان‌های مقدس آن می‌گردند. زائرانی که وقت، امکانات و الزام دارند ممکن است چئوراسیکروشی پری گرمه^۲ را که دایره‌ای به شعاع ۲۶۰ کیلومتر در اطراف بنارس ترسیم می‌کند، پیاده‌روی کنند. برخی از هندوها، به‌ویژه در مراحل پایانی زندگی خود، از همه چیز به جز ضروری‌ترین نیازهای زندگی چشم می‌پوشند و سنیا سین^۳ نامیده می‌شوند. افراطی‌ترین این زاهدان که به سادوها مشهورند، وقت خود را دائماً وقف زیارت می‌کنند و مصمم‌اند تا زمان مرگ‌شان، در جاده‌ها سرگردان باشند.^۴

در متون بودایی هم از بودا موعظه‌هایی آورده شده که پیروان را به حرکت و سفر از جایی به جای دیگر دعوت کرده است. در یک سرود مهم اینگونه می‌خوانیم: «ای راهبان! بروید برای نفع خیلی‌ها، برای رفاه خیلی‌ها، از سر شفقت و رحم برای جهان، برای خیر، برای منفعت و سعادت خدایان و آدمیان سفر کنید».^۵ زائران بودایی مؤمن در ژاپن بارها به زیارت کوه فوجی می‌روند، به گرد ۸۸ معبد در مسیر شیکوکو می‌گردند،

۱. نک: علی مهدی، مسلم، زیارت مجازی: مفهومی‌ها و الگوها، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۴-۱۰۷.

۲. chaurasikroshi parikarma.

۳. Sannyasin.

۴. Kay Davidson, p. 239 , 242.

۵. دَمَه پَدَه (راه آیین)، ترجمه ع. پاشایی، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۰، ص ۱۲۵.

از ۳۳ محراب مقدس کانون در سایکو کو، ۱۰۰۰ معبد در کیوتو و بسیاری از مکان‌های دیگر بازدید می‌کنند و این امر مستلزم سفر فیزیکی است.

در متون مقدس آیین سیک با وجود نفی زیارت ظاهری و تأکید بر زیارت انفسی، باز هم عامه مردم، سفرهایی به مکان‌های مقدس انجام می‌دهند. خود گورو نانک در آغاز دوران تبلیغ اندیشه‌هایش طی چهار دوره سفر، به مناطق مختلف هند و سایر کشورها سفر کرد و با حضور در زیارتگاه‌های اصلی آیین هندو، بودا و اسلام، پیام خود را به آنان رساند.^۱

در سنت زرتشتی نیز جمعیت زرتشتیان ایران از نقاط مختلف ایران و جهان در روزهایی که به زیارت پیرانگاه‌ها اختصاص دارد به یزد سفر کرده و در مراسم حاضر می‌شوند.^۲ در دوره‌های جدید در یزد و اطراف آن گروهی از پیرهای شش‌گانه که زرتشتیان آنها را «پیر بزرگ» می‌نامند، در یک مجموعه زیارتگاه‌های شش‌گانه تقریباً رسمی و برخی مکان‌های کوچک‌تر که به صورت منظم به زیارت آنها می‌روند، توسعه یافته‌اند. این زیارت‌ها معمولاً در چند مجموعه از «گردش‌های زیارتی» انجام می‌شود.

اگرچه در ادیان غیرابراهیمی سفر فیزیکی توصیه شده، سفر درونی نیز اهمیت زیادی، به‌ویژه در آیین سیک، دارد. سفر فیزیکی مؤلفه اساسی در زیارت‌های هندویی است، اما در این آیین فرد تأمل‌کننده (یا همان یوگی) می‌تواند از طریق مراقبه، بی‌آنکه جسم خود را حرکت دهد، به زیارت زیارتگاه‌های بزرگ و مهم برود.^۳ در متن مقدس آیین سیک در قیاس با آیین هندو، بر طهارت باطنی و سیر درونی بیشتر تأکید شده است و هر چند به طور مطلق زیارت مکان‌های مقدس، به‌ویژه غسل در رودخانه‌ها به‌طور مطلق نفی نشده، اما مبنا و اصل در آیین سیک، پاکی قلب انسان و ارتباط عمیق وی با خداوند است: «اگر دست، پا یا بدن آلوده‌اند، با آب شسته شده و آلودگی

۱. در باره سفر گورو نانک به اماکن مقدس، نک: روحانی، سید محمد، دین سیک‌ها، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۸، ص ۷۷-۸۲.

۲. مهرشاهی، داریوش، «بررسی علل پیدایش و اهمیت زیارتگاه‌های زرتشتیان در یزد»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۱۵، شماره ۱-۲ (پیاپی، ۵۶-۵۷)، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۱۰۴.

3. Kay Davidson, p. 239.

برطرف می‌شود و هنگامی که جامه‌ها آلوده‌اند شسته می‌شوند و تمیز می‌شوند، اما هنگامی که ذهن به گناه آلوده شود و قلب ناپاک گردد تنها با عشق نام الهی پاک می‌شود.^۱ در ادامه همین مطلب بیان شده که اگر کسی به زیارت مکان‌های مقدس برود، ریاضت بکشد، مهربانی و هدایای خیرخواهانه بدهد، شایستگی کمی دارد، اما اگر با قلبش نام الهی را دوست داشته و گرامی بدارد، او به طور کامل در آب‌های مقدس غسل می‌کند. گوروهای سیک می‌گفتند که مرکز زیارتی در درون قلب آدمی قرار دارد و آن هم تأمل بر نام خداوند است؛ تنها نام خدا رهایی‌بخش است: «بدون نام خداوند کسی به رهایی نمی‌رسد، بدون نام خدا هیچ پاکی‌ای وجود ندارد، همه چیز در نام خدا وجود دارد: گنگک، هفت‌دریا، پرستشگاه‌ها و غیره».^۲ از این‌رو، شنیدن نام خداوند و تکرار آن تنها عامل رستگاری انسان است و کسی که نام خداوند را تکرار می‌کند گویا در ۶۸ زیارتگاه غسل کرده است.^۳

تذکر این نکته ضروری است که بین زیارت انفسی و زیارت آفاقی رابطه نزدیکی وجود دارد و این امر ما را به صورت‌بندی و تقریر ترنر از زیارت رهنمون می‌سازد: می‌توان زیارت را عرفانی برونگرا بدانیم، همانطور که عرفان، زیارتی درون‌گرا است. زائر از نظر جسمی، مسیری عرفانی را طی می‌کند و عارف نیز برای زیارت درونی راهی را طی می‌کند. هم زیارت و هم عرفان از شبکه‌های ساختار اجتماعی گریزانند و به هر دوی آنها در زمان‌های مختلف از سوی مقامات مذهبی حمله شده است. زیارت باطن خود را دارد، آنگونه که هرکس زائران را در مقابل حرم و معبدی مقدس مشاهده می‌کند، می‌تواند به این امر گواهی دهد. از سوی دیگر، عرفان نیز ظاهر خود را دارد، همانطور که در سلوک عملی عارفان مشهور مشهود است.^۴ در زیارت انفسی عارفان، به‌ویژه در ادیان ابراهیمی، مزور خداوند متعال است و از آنجا که عارف حضور خداوند

1. *The Gospels of the Guru-Granth Sahib*, tr. By: Duncan Greenlees, Adyar, The Theosophical Publishing House, 1952, p. 106.

2. *ibid*, p. 106-107.

3. *ibid*, p. 107-108, 228.

4. Turner, *Image and Pilgrimage in Christian Culture*, p.7, 33-34.

را در همه جای هستی حس می‌کند در برخی مواقع نیازی به سفر فیزیکی به مکان مقدس خاصی نمی‌بیند. حتی برخی از عرفا در مواردی پیروان و مریدان خویش را نیز از سفر فیزیکی به مکان مقدس باز داشته‌اند و با توصیه به پالایش درون، کوشیده‌اند سالک را به سیر در درون خویش سوق دهند تا از این طریق به وصال حق نائل گردد.

نتیجه‌گیری

با بررسی دقیق معانی واژگانی لغت زیارت - در فرهنگ یهودی «علیا لِرِگِل» و «حَگْ»؛ در مسیحیت اصطلاح peregrinatio و معادل انگلیسی آن pilgrimage، در آیین هندو و بودا و سیک و اژده‌های «تیزْتهه یاْثْرا» و «Junrei» و همچنین تعاریف متعدد اصطلاحی این واژه، می‌توان گفت که مفهوم سفر و حرکت در معنای لغوی آنها وجود دارد. از این رو در این ادیان، زیارت تکیه بر سفر دارد و سفر کردن و مسافرت رکن اصیل‌تر در ریشه شناختی این واژگان است. اما با توجه به ریشه زور و مشتقات آن، به صراحت چنین تأکیدی بر سفر برداشت نمی‌شود؛ زیارت در یک معنای کلی یعنی حضور نزد مزور همراه با قصد و اراده. این حضور می‌تواند از طریق سفر فیزیکی و یا سفر درونی (توجه قلبی به مزور) محقق شود.

افزون بر این، بودن نصوص متعدد در متون مقدس ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی حکایت از اهمیت سفر در زیارت دارد و شمار توصیه‌ها بر زیارت نشان می‌دهد که همواره هدف زائران نقطه و مکانی بیرونی است. از سویی این زیارتگاه‌ها عمدتاً در وهله شامل مکان مقدس اصلی و در وهله دیگر مقبره و آرامگاه پیامبران، اولیاء و قدیسان می‌شود.

آنگونه که پیداست سفر به جنبه آیینی زیارت برمی‌گردد، به همین دلیل نمی‌توان سفر را از زیارت حذف کرد یا نادیده انگاشت. در تفکر عرفانی که جنبه آیینی تا میزانی رنگ می‌بازد، سفر بیرونی به سفر درونی مبدل شده و به جای حضور در زیارتگاه، آنچه که مهم می‌شود حضور قلب و یاد مزور است؛ اولی سفر در آفاق است و دومی در انفس. در زیارت آنچه که مراد زائر است وصال به محبوب یا مزور است و

نتیجه‌ای که از این سفر عاید زائر می‌شود، متناسب با جهانی دینی زائر متفاوت است. چه این وصال درونی باشد و چه بیرونی، رسیدن به مکان یا وصال محبوب نیازمند سفر و طی طریق است و این امر اهمیت سفر در زیارت را به خوبی آشکار می‌کند. در دوره معاصر با توجه به رشد وسایل مختلف حمل و نقل و کاهش مشکلات سفر، پیروان ادیان مختلف اعم از ابراهیمی و غیرابراهیمی به زیارت ظاهری توجه بیشتری نشان داده‌اند تا جایی که صورت‌های جدیدتری از زیارت در بین مردمان رایج شده است.

۱۳۶

پژوهشنامه ادیان

سال هفدهم، شماره سی و سه، بهار و تابستان ۱۴۰۲

فهرست منابع

- * قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- آگوستین قدیس، شهر خدا، ترجمه حسین توفیقی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۲.
- ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، به کوشش علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم المقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، ۱۴۱۴ق.
- الازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، تحقیق احمد عبدالعلیم بردونی، ج ۱۳ بی نا، بی تا.
- امینی، عبدالحسین، الزیارة، بی نا، بی تا.
- انصاری، خواجه عبدالله، طبقات الصوفیه، به تصحیح محمد سروری مولائی، تهران، توس، ۱۳۶۲.
- جوادی عاملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، ج ۱، قم، اسراء، ۱۳۸۱.
- حافظ، شمس الدین محمد، دیوان حافظ، به اهتمام جهانگیر منصور، تهران، نشر دوران، ۱۳۸۵.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
- حکیم، سید محمد حسن، «مفهوم شناسی زیارت در فرهنگ اسلامی»، حدیث و اندیشه، شماره ۱۰ و ۱۱، پاییز ۱۳۸۹ و تابستان ۱۳۹۰.
- حکیمی، یعقوب، فرهنگ فارسی عبری، اورشلیم، Minerva institution & consultation group، ۲۰۰۶.
- حیم، سلیمان، فرهنگ عبری فارسی، اسرائیل، {بی نا}، ۱۳۴۴.
- دالن جی، تی موتی، گردشگری، دین و سفرهای معنوی، ترجمه محمد قلی پور و احسان مجیدی فر، تهران، جامعه شناسان، ۱۳۹۲.

۱۳۷
پوشنامه ادیان

- دقیقیان، شیرین دخت، نردبانی به آسمان: نیایشگاه در تاریخ و فلسفه یهود، تهران، ویدا، ۱۳۷۹.
- دمه پده (راه آیین)، ترجمه ع. پاشایی، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۰.
- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، تصحیح صفوان عدنان داوودی، بیروت - دمشق، دار القلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
- روحانی، سید محمد، دین سیکها، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۸.
- ریدر، ایان، زیارت، ترجمه داریوش رضاپور، تهران، حکمت سینا، ۱۴۰۰.
- زارعی سبزواری، عباسعلی، زیارت در نگاه شریعت، بی نا، بی تا.
- زمانی، حسین، بازشناسی مفهوم زیارت، مشهد، انتشارات آوند رشد، ۱۳۹۱.
- شختر، حییم و دیگران، واژه های فرهنگ یهود، ترجمه مشه امیر و دیگران، اورشلیم، انجمن جوامع یهودی، ۱۹۷۷.
- صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد، المحيط في اللغة، تصحیح محمد حسن آل یاسین، بیروت، عالم الكتاب، ۱۴۱۴ق.
- طاهری، سید محمود، زیارت از دیدگاه علما و عرفای فریقین، تهران، مشعر، ۱۳۹۲.
- عطار نیشابوری، فریدالدین، تذکرة الاولیاء، تصحیح نیکلسون، تهران، دنیای کتاب، بی تا.
- علی مهدی، مسلم، زیارت مجازی: مفهومها و الگوها، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۶.
- عهد جدید بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، ترجمه پیروز سیار، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷.
- الفاکهی، محمد بن اسحاق، اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، محقق عبد الملک بن عبد الله بن هیشف مکه، مکتبه الأسدی، ۲۰۰۳.
- کتاب مقدس، ترجمه قدیم با حروفچینی و رسم الخط جدید و عناوین بخشها ارجاعها، Elam, Ministeries، انگلستان، ۱۹۹۹ میلادی.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.
- مجموعه مقالات هم اندیشی زیارت، ج ۱، قم، مشعر، ۱۳۷۸.
- «مرآت العشاق»، به تصحیح برتلس، بوگنی ادواردویچ، در کتاب تصوف و ادبیات تصوف، تهران، امیر کبیر، ۲۵۳۶.

- المنقري، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى، مكتب آيت الله المرعشي النجفي، بی تا.
- موحديان عطار، علی، «زیارت در آیین هندو»، هفت آسمان، سال هشتم، شماره ۲۹، بهار ۱۳۸۵.
- مهرشاهی، داریوش، «بررسی علل پیدایش و اهمیت زیارتگاه‌های زرتشتیان در یزد»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۱۵، شماره ۱-۲ (پیاپی، ۵۶-۵۷)، بهار و تابستان ۱۳۷۹.
- Bitton-Ashkelony, Brouria, *Encountering the Sacred: the Debate on Christian Pilgrimage in Late Antiquity*, University of California Press, London, 2005.
- Collins-Kreiner, Noga, "Researching Pilgrimage: Continuity and Transformations", *Annals of Tourism Research*, Vol. 37, No. 2, 2010.
- Constance, A. Jones & James D. Rayan, "Pilgrimage", *Encyclopedia of Hinduism*, New York, Facts on File, 2007.
- Eck, Diana L. , "India's Tirthas: Crossings in Sacred Geography", *History of Religions*, No.20 (4), 1981.
- Hawting, Gerald, "Pilgrimage", *Encyclopedia of Quran*, ed by: Jane Dammen Mc Auliffe, Brill, Leiden -Boston, Vol 4, 2004.
- Hyman, Semah Cecil, "Pilgrimage", *Encyclopaedia Judaica*, ed by: Fred Skolnik, Jerusalem, Keter Publishing House LTD ,vol. 16, 2007.
- Jutla, Rajinder s., "Pilgrimage in Sikh Religion", *Tourism, Religion and Spiritual Journeys*, ed by: Dallen J. Timothy and Daniel H. Olsen, Routledge :Taylor & Francis Group, London & New york, 2006.
- Kay Davidson, Linda and David M. Gitlitz, *Pilgrimage : from the Ganges to Graceland : an encyclopedia*, Santa Barbara, ABC-CLIO, Inc, 2002.
- Kramrisch, Stella, *the Hindu Temple*, Delhi: Motilal Banarsidass, 1976.
- Langer, Robert, "From Privta Shrine to Pilgrimage Centre: the Spectrum of Zoroastrian Shrines in Iran", *Zoroastrian Rituals in Context*, Brill, Leiden. Boston. 2004.

- Lutz Kaelber, “ Paradigms of travel: from Medieval Pilgrimage to the Postmodern Virtual Tour” , *Tourism, Religion and Spiritual Journeys*, Edited by Dallen J. Timothy and Daniel H. Olsen, Routledge :Taylor & Francis Group, London & New york, 2006.
- Meri, J.w, “Ziyāra”, *Encyclopedia of Islam*, ed by: Lewis and others, Leiden, Brill, Vol 11, 1986.
- Pinches, T. G, “Pilgrimage”, *Encyclopedia of Religion and Ethics*, ed by: James Hastings, New York, Charls Scribners’s Sons, Vol. 10,1917.
- Polan, s.m, “Pilgrimages”, *New Catholic Encyclopedia*, second Edition, Wahhington D.C, Gale, Vol. 11, 2003.
- *The Gospels of the Guru-Granth Sahib*, tr. By: Duncan Greenlees, Adyar, The Theosophical Publishing House, 1952.
- Trainor , Kevin, “pilgrimage”, *Encyclopedia of Buddhism*, ed by Robert E. Buswell, New York, Gale, 2004.
- Turner, Edith, “ An Overview”, *Encyclopedia of Religion*, ed by: Mirca Eliade, New York, Macmillan, Vol. 11, 1987
- Turner, V. & Turner, *Image and Pilgrimage in Christian Culture*, New York, Colombia University Press , 1978.
- Vacaru, Christian, “The Biblical Foundations of the Pilgrimage”, *International Letters of Social and Humanistic Sciences*, Switzerland, SciPress Ltd, 2015
- Vukonić, Boris, “Sacred Places and Tourism in the Roman Catholic Tradition”, *Tourism, Religion and Spiritual Journeys*, ed by: Dallen J. Timothy and Daniel H. Olsen, Routledge :Taylor & Francis Group, London & New york, 2006.
- Webb, Diana , *Pilgrims and Pilgrimage in the Medieval West*, London, New York, 1996.

۱۴۰

پژوهشنامه ادیان

سال هفدهم، شماره سی و سه، بهار و تابستان ۱۴۰۲